

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

صص ۴۸۵ - ۵۰۱

عوامل رافع مسئولیت مدنی عرضه کنندگان کالا

مریم بیات^۱، ساحل عالیخانی^{۲*}

۱- دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

۲- دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

چکیده

امروزه با تولید کالاهای فنی و پیچیده در مقیاس وسیع به جهت عیوب ناشناخته موجود در کالا، عدم ارائه اطلاعات کافی در نحوه صحیح استفاده و هشدار از خطرات که همگی به نوعی عیب در کالا تلقی می‌شود، صرف اتکاء به رابطه قراردادی برای جبران خسارت زیان دیده کافی نیست و این عیوب مذکور باعث بروز حوادث ناگوار و خسارات فراوانی نه تنها بر مصرف کننده بلکه بر افرادی که هیچ استفاده‌ای از کالا نداشتند می‌شود و آنچه از قانون حمایت از مصرف کننده آمده حمایت مطلوبی از مصرف کننده نمی‌باشد. در کنار علل خارجی که بر رابطه سببیت تأثیر دارند، برخی عوامل نیز وجود دارند که فعل زیانبار را تحت تأثیر خود، قرار می‌دهند؛ این عوامل که معمولاً تحت عنوان علل موجهه از آن‌ها یاد می‌شود فعل زیانبار را توجیه می‌کنند؛ تأثیر چنین توجیهی، آن است که فعل زیانبار، مباح می‌شود. البته علل موجهه از تنوع زیادی برخوردارند و همگی آن‌ها تأثیرات یکسانی ندارند؛ برخی از آن‌ها باعث از بین رفتن مسئولیت می‌شوند و بعضی دیگر، تنها مسئولیت را بر عهده

* نویسنده مسئول sahel.aalikhani@ut.ac.ir

دیگری قرار می‌دهند بدون اینکه اصل مسئولیت را منتفی کنند؛ با این اوصاف نگارندگان در این مقاله به واکاوی عوامل رافع مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالا با روش تحلیلی - توصیفی پرداخته است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، عیب، کالا، عوامل رافع، عوامل موجهه.

مقدمه

حقوق از جمله اندیشه‌های اعتباری است، یکی از خصوصیات بارز اندیشه‌های اعتباری این است که نیاز پرورده‌اند، یعنی؛ به وجود آمدن این اندیشه‌ها بدلیل داشتن نیاز است، نیازهای اجتماعی، فرهنگی، روانی، اقتصادی. بنابراین یکی از وظایف مهم حقوق کشف نیازهای اشخاص در عرصه زندگی اجتماعی می‌باشد. از این رو محققین دانش حقوق باید با آگاهی کامل نسبت به احتیاجات اشخاص، قواعد و مقرراتی را جهت تأمین این نیازها تهیه و تنظیم نمایند.

تا قبل از انقلاب صنعتی بخش عظیمی از مردم، مصرف‌کننده تولیدات خود بودند، به گونه‌ای که مصرف‌کننده به مفهوم امروزی وجود نداشت، تولید برای ارائه به بازار و مصرف دیگران بخش کوچکی از فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌داد، لیکن انقلاب صنعتی این وضعیت را درهم شکست و بخش عظیمی از مردم مصرف‌کننده کالاهایی هستند که دیگران تولید می‌کنند.

با این وضع خریداران برای استفاده و بکارگیری صحیح اموال و کالاهای خریداری شده به کسب اطلاعات لازم و ضروری نیاز دارند، اطلاعاتی که آن‌ها را در استفاده بهینه از بیع راهنمایی نموده و خطرها و آثار جانبی زیان بار آن را گوشزد نماید. لذا حقوق برای تأمین این نیاز، قواعد و احکامی را تهیه نموده که مجموع این قواعد نهاد حقوقی «تعهد دادن اطلاعات» را تشکیل می‌دهد.

در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی به مبحث مسئولیت ناشی از عدم ارائه اطلاعات لازم در قرارداد اشاره‌ای نشده است. از روح حاکم بر قوانین و عرف جامعه نیز به وجه مشترکی در این خصوص نمی‌توان رسید. در صورتی که تامل به مسئولیت شخص ناشی از عدم ارائه اطلاعات باشیم این مسئولیت در دو حوزه قراردادی و غیر قراردادی قابلیت بررسی دارد. به طور مثال در موضوع تسلیم مبیع در عقد بیع لازم می‌نماید، علاوه بر تسلیم مادی اطلاعات مورد نیاز جهت بهره‌برداری از مبیع نیز در اختیار مشتری قرار گیرد تا تسلیم کامل صورت گرفته باشد. از طرفی میزان اطلاعات که باید در اختیار طرف قرارداد داده شود مبهم و نامشخص است پس بایستی این مساله نیز مورد بررسی دقیق قرار گیرد. از سوی دیگر بسیار پیش می‌آید که عدم ارائه اطلاعات از سوی طرف قرارداد موصات جهان را فراهم می‌کند به عنوان مثال مسئولیت سازنده یا توزیع‌کننده دارو ناشی از عدم ارائه کامل اطلاعات

مربوط به صرف دارو را می‌توان ذکر نمود؛ با این اوصاف نگارندگان در پی پاسخگویی به این سوال اصلی هستند که علل رافع ایجاد این مسئولیت چیست؟

۱. مفاهیم مقدماتی

در این قسمت نگارندگان به تبیین مفاهیم مقدماتی و کلیدی پایان‌نامه خواهند پرداخت.

۱-۱. مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی، در معنای وسیع، مسئولیت‌های ناشی از نقض قرارداد و مسئولیت‌های غیرقراردادی، یعنی مسئولیت ناشی از رفتار زیان بار را در بر می‌گیرد. زیرا صرف‌نظر از مبانی مشابه و مشترک در هر دو نوع مسئولیت، ماهیت آن‌ها را نیز می‌توان یکسان تلقی کرد. اما در معنای خاص، مسئولیت مدنی به مسئولیت غیر قراردادی اطلاق می‌شود. (ره پیک، ۱۳۹۳: ۲۷) مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود، عبارت است از «مسئولیت جبران خسارات ناشی از رفتارهای زیان بار» نکته دیگر اینکه، تعبیر «مسئولیت مدنی» که اکنون در حقوق ما، تعبیری شایع و متداول می‌باشد در اصل، به خانواده حقوق رومی - ژرمنی تعلق دارد (ره پیک، ۱۳۹۳: ۲۹) و پس از تصویب قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، کاربرد بیشتری پیدا کرده است.

در فقه اسلامی، تعبیری مانند «ضمان قهری» یا «ضمانات» مورد استفاده قرار می‌گیرد. حتی قانون مدنی نیز از ترکیب «مسئولیت مدنی» استفاده نکرده و عنوان الزامات خارج از قرارداد را به تبع برخی عناوین قانون فرانسه (صدر ماده ۱۳۷۰ ق. مدنی فرانسه) برگزیده است. در حقوق کامن‌لا نیز بیشتر از عنوان «شبه جرم» یا «جبران‌ها»^۱ استفاده می‌شود.

۱-۲. مفهوم عیب

قانون مدنی ما عیب را تعریف نکرده و تشخیص آنرا به نظر عرف واگذار نموده است. ولیکن فقها و حقوقدانان از عیب تعاریف مختلفی را بیان داشته‌اند. به طور کلی با استقراء در نظر حقوقدانان و فقها می‌توان سه معیار را برای تعریف عیب در نظر گرفت. مشهورترین معیاری که فقها معرفی نموده‌اند، معیار زیادتی یا نقصان مبیع نسبت به نوع خود می‌باشد. مطابق با این معیار، عیب هر شیء عبارت است از زیادتی یا نقصان جزء آن شیء، نسبت به اصل خلقت (امامی، ۱۳۹۵: ج ۱، ۵۰۰).

۱. Remedies.

این تعریف در خور اموالی است که ضابطه معینی در طبیعت و ساختشان داشته باشند مثل عیب موجود در حیوانات، ولیکن در حال حاضر با تحول صنعت و عصر ماشینیسیم و تولید و ساخت کالاهای پیچیده صنعتی و تکنولوژیکی، از این معیار نمی‌توان استفاده نمود. معیار دوم، نقص در مرتبه متوسط می‌باشد. این معیار از تعریف عیب از دیدگاه شیخ انصاری گرفته شده است. به نظر ایشان، عیب عبارت است از نقص در صحت و سلامت که متوسط بین عیب و کمال می‌باشد، صحت و سلامت حالتی است که مشترک بین افراد مبیع می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۰ هـ.ق: ج ۲، ۳۴۵).

برای مثال در بخاری‌های گازی تعدادی اوصاف مشترک وجود دارد که عرف آن‌ها را به عنوان حد متوسط کالای مزبور به حساب می‌آورد، بخاری‌های گازی مجهز به شمعیک، فندک جرقه زن و دستگاه کنترل گاز هستند، این اوصاف بالفرض حد متوسط مشخصات بخاری‌های گازی می‌باشد، لذا اگر بخاری گازی موضوع قرارداد دارای چنین اوصافی باشد، آن کالا سالم و بدون عیب تلقی می‌شود. ولیکن اگر بعضی از این اوصاف را نداشته باشد، نقص در صحت و سلامت کالا ایجاد شده و در نتیجه کالا معیوب تلقی می‌شود.

۲. عوامل از بین برنده مسئولیت مدنی عرضه کنندگان

مسئولیت مدنی تکلیف به جبران خسارت وارد به اشخاص است که منشأ آن عدم اجرای قرارداد، زیان ناشی از جرم یا شبه جرم می‌باشد. اگر نقض تکلیف و ضرر ناشی از آن به زیان زنده قابل استناد باشد مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود ولی اگر تقصیر و اقدام متعدهله یا زیان دیده در میان باشد و یا هشدار کافی و مؤثر به زیان دیده داده شده باشد و یا اگر عامل زیان با حسن نیت بوده و قصد احسان داشته باشد و یا عدم مسئولیت شرط شده باشد، تعهد از مسئولیت معاف خواهد بود.

۲-۱. شرط عدم مسئولیت

با توجه به اینکه در کشور ما درباره ی شرط عدم مسئولیت و حقوق مصرف کننده مقررات مدون وجود ندارد، مطالعه در مورد آن اهمیت مضاعفی می‌یابد. با توجه به این که تحقیقات انجام شده علیرغم زحمات بسیار نویسندگان آن‌ها تمامی سؤالات را پاسخ نمی‌دهد سعی شده مختصر درباره شرط عدم مسئولیت توضیحاتی داده شود.

در پاسخ به سؤالات بدو می‌بایست شرط عدم مسئولیت را مختصر تعریف کنیم. شرط عدم مسئولیت شرطی است که به موجب آن مسئولیت ناشی از عدم اجرا قرارداد یا تأخیر آن پیش از اینکه تخلف از قرارداد رخ دهد و خسارت پیدا شود اسقاط و سلب می‌گردد. باید توجه داشت که اذن فی نفسه موجب سقوط ضمان نیست مگر به قرینه یا تصریح ضمان نفی شده باشد ولی هرگونه شرط عدم مسئولیت و عدم ضمان ملازم با اذن است لذا رابطه بین این دو عموم و خصوص من وجه است یعنی، شرط عدم مسئولیت مستلزم وجود اذن است اما وجود اذن دلالت بر عدم مسئولیت ندارد.

اینک به بررسی انواع شروط معافیت از مسئولیت و محدودکننده آن می‌پردازیم.

الف. شرط توسعه و تضییق قوه قاهره، اینگونه شروط به جای اینکه قوه قاهره را با حذف یکی از ویژگی‌های آن توسعه دهد حوادث معین را در حتم قوه قاهره قرار می‌دهد.

ب. شرط تحدید نوع مسئولیت عرضه کننده و میزان یا مبلغ آن ممکن است شرط شود مدیون فقط مسئول خسارت مادی باشد و خسارت عدم النفع یا زیان معنوی به عهده او نباشد و یا مبلغ معینی به عنوان سقف خسارت پیش‌بینی شود.

پ. شرط کاهش مدت اقامه‌ی دعوا معید عرضه کننده (تحدید مرور زمان) محدود کردن مدت اقامه دعوا گامی است در جهت تحکیم قراردادها و کاستن نزاع‌ها و دعوای حقوقی و افزایش امنیت حقوقی از این رو این شرط نه تنها مخالفتی با قانون و نظم عمومی ندارد بلکه باید آن را تأمین‌کننده نظم عمومی دانست.

ت. شرط عدم مسئولیت عرضه کننده نسبت به اعمال خیرات که ممکن است بتوان شرط اسقاط خیرات موضوع ماده ۴۴۸ را یکی از مصادیق شرط عدم مسئولیت برشمرد. این شرط امروزه در بسیاری از قولنامه‌ها درج می‌شود.

شرط عدم مسئولیت آثاری دارد که هم می‌توان اثر شرط را نسبت به طرفین و هم اشخاص ثالث و هم وارثان بررسی نمود.

بنابراین به موجب شرط عدم مسئولیت، مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تأخیر آن پیش از اینکه تخلف از قرارداد رخ دهد و خسارت پیدا شود اسقاط و سلب می‌گردد.

بطلان شرط عدم مسئولیت به دلایلی همچون مخالفت با نظم عمومی و ... موجب بطلان عقد نمی‌گردد.

۲-۲. عوامل رافع مسئولیت مدنی و تأثیر آن بر مسئولیت عرضه‌کننده

در کنار علل خارجی که بر رابطه سببیت تأثیر دارند، برخی عوامل نیز وجود دارند که فعل زیانبار را تحت تأثیر خود، قرار می‌دهند. این عوامل که معمولاً تحت عنوان علل موجهه از آن‌ها یاد می‌شود فعل زیانبار را توجیه می‌کنند (پاتریس ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۴)؛ تأثیر چنین توجیهی، آن است که فعل زیانبار، مباح می‌شود. البته علل موجهه از تنوع زیادی برخوردارند و همگی آنها تأثیرات یکسانی ندارند.

برخی از آن‌ها باعث از بین رفتن مسئولیت می‌شوند و بعضی دیگر، تنها مسئولیت را برعهده دیگری قرار می‌دهند بدون اینکه اصل مسئولیت را منتفی کنند.

۲-۲-۱. اضطرار^۱

اضطرار، حالتی است که در آن به دلیل دخالت حوادث قهری، مضطر ناچار می‌شود برای دفع ضرر ناشی از آن حوادث، ضرر دیگری را وارد کند.

شرایط اضطراری با شرایط قوه قاهره شباهت دارد، لذا برای استناد به اضطرار، لازم است غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب بودن اضطرار، اثبات گردد.

در حالت اضطرار، مسئولیت جبران خسارت، منتفی نمی‌شود بلکه ممکن است در مواردی فاعل زیان، مسئول نباشد و مسئولیت برعهده شخص دیگری که از اقدام فاعل سود برده است قرار گیرد و این مسأله و نکته برای عرضه‌کننده نیز اجرا خواهد شد یعنی عرضه‌کننده‌ی مضطر با جمع شرایط مصرّحه در بالا امکان دارد که از مسئولیت مدنی معاف شود.

مطابق برخی مقررات، اگر کسی در حدّ نیاز و متعارف، اقدامی انجام دهد و به دیگری خسارت وارد کند ضامن نمی‌باشد. بعضی از حقوقدانان، این حالت را با اضطرار مقایسه کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۷)؛ در حالی که بین این دو حالت، تفاوت وجود دارد. در اضطرار، وجود ضرر محرز است اما مضطر با اقدامات خود آن را به سوی دیگری دفع می‌کند و از این طریق، در واقع، سودی (عدم ضرر) را بدست می‌آورد، لذا مسئولیت جبران، منطقی می‌باشد اما در حالتی که شخص، عمل مباحی را در حدّ نیاز و متعارف انجام می‌دهد و اتفاقاً خسارتی وارد می‌شود عدم ضامن، قابل توجیه می‌باشد. مباح شدن عمل مضطر بدین معناست که مضطر می‌تواند بین دو ضرر، ضرر کمتر را انتخاب و ضرر بیشتر را دفع کند، اما این اباحه، نافی جبران ضرر نمی‌باشد.

در هر حال، می‌توان برای اضطرار و محل قرارگرفتن ضررها، حالات مختلفی را تصور کرد:

۱. Necessity/ Emergency

الف) شخص برای دفع ضرر خود به دیگری خسارت وارد کند که عرضه کننده مشمول این مورد نمی شود و مسئولیت مدنی اش از بین نمی رود. به طور مثال، برای جلوگیری از ورود سیل به خانه خود، مسیر آن را به طرف زمین همسایه، منحرف کند. در چنین حالتی، باید شخص اول را ضامن خسارت وارد بر غیر بدانیم و به طور کلی، نمی توان اضطرار شخص را مجوزی برای ضرر غیر، تلقی کرد (انصاری، ۱۳۸۳: ج ۴، ۳۳۴).

نهایتاً ممکن است در صورتی که شدت ضرر مضطر، نسبت به ضرر غیر، بیشتر باشد صرفاً حکم تکلیفی، رفع شود ولی حکم وضعی جبران خسارت، باقی می ماند و ادله قاعده اتلاف، حاکم می باشد. ب) شخص برای رفع ضرر از غیر به اموال او خسارت وارد کند در این مورد نیز عرضه کننده معاف از مسئولیت مدنی نیست. به طور مثال، برای جلوگیری از گسترش آتش در مغازه غیر، بخشی از دیوارها را خراب کند. در این حالت، به نظر می رسد که قاعده احسان جریان داشته باشد و از این جهت، بر قاعده اتلاف، حاکم باشد. بنابراین، نباید شخص را ضامن دانست، زیرا ضمان او در واقع از مصادیق «سبیل» است که در قاعده احسان، نفی شده است (بجنوردی، ج ۴، ۱۳).

ج) شخص برای دفع ضرر از کسی به شخص ثالث ضرر وارد کند. در این مورد مثل دو مورد قبل عرضه کننده معاف از مسئولیت مدنی نیست. به طور مثال، برای جلوگیری از غرق شدن فرزند یا اموال کسی، از قایق و بنزین شخص ثالث (بدون اجازه) استفاده کند. در چنین حالتی نیز دلیلی بر رفع ضمان به طور مطلق وجود ندارد، اما تردید در آن است که ضمان، به دلیل قاعده اتلاف، بر عهده متلف است یا به دلیل استفاده بلاجهت صاحب مال یا فرزند، ضمان، بر عهده او قرار می گیرد. شاید بتوان به دلیل محسن بودن شخص اول نسبت به صاحب مال یا فرزند، ضمان را از او نفی نمود و مسئولیت را بر عهده صاحب مال یا فرزند، یعنی کسی که از این امر سود برده است قرار داد. ملاک ماده ۳۰۶ ق.م نیز می تواند مؤیدی بر این نظر باشد (من له الغنم فعلیه الغرم).^۱

۱. قاعده استفاده بلاجهت، در حقوق اسلام نیز دارای دلایل نقلی می باشد. ۱. به این روایت توجه شود: «محمد بن علی بن الحسین باسناده عن محمد بن احمد بن یحیی باسناده قال رفع الی المأمون رجل دفع رجلاً فی بثر فمات فامر به ان یقتل فقال الرجل انی کنت فی منزلی فسمعت العوث فخرجت مسرعاً و معی سفینی فمررت علی هذا و هو علی سفیر بثر فدفعته فوق فی البئر فسأل المأمون الفقهاء فی ذلک فقال بعضهم یقاد به و قال بعضهم یفعل به کذا و کذا قال فسأل ابالحسن (ع) عن ذلک و کتب الیه فقال دیته علی اصحاب العوث الذین صاحبوا العوث قال فاستعظم ذلک الفقهاء فقالوا للمأمون سله من این قلت هذا فسأله فقال (ع) ان امرأة استعدت الی سلیمان بن داود (ع) علی ریح فقال کنت علی فوق بیتی فدفعتنی ریح فوقعت الی الدار فانکسرت یدی فدعا سلیمان (ع) بالریح فقال لها ما حملک علی ما صنعت بهذه فقالت الریح یا نبی الله ان سفینة بنی فلان کانت فی البحر قد اشرف اهلها علی الغرق فمررت بهذه المرأة و انا مستعجلة فانکسرت یدها فقضى سلیمان (ع) بارش یدها علی اصحاب السفینة» (وسایل الشیعه، ج ۱۹، باب ۲۸ حدیث ۲)؛ قیاس عمل شخصی با باد

د) شخص برای دفع ضرر از جامعه به اموال خصوصی افراد ضرر وارد کند. این نوع اضطرار به اضطرار عمومی، موسوم می‌باشد. به طور مثال، عرضه‌کننده در جامعه‌ای که در تحریم اقتصادی می‌باشد به جای استفاده از کالاهای درجه اول خارجی برای تولید از کالاهای درجه پائین داخلی در تولید استفاده کند. در این حالت، یقیناً عرضه‌کننده نسبت به منافع جامعه، محسن است، اما سؤال این است که در این وضع، ضمان به طور کلی منتفی است یا مسئولیت برعهده دولت و غیره است؟ به نظر می‌رسد در این مورد، ضمان، منتفی باشد.

۲-۲-۲. ابرای قبلی مصرف‌کننده‌ی زیان‌دیده

در صورتی که زیان‌دیده، پس از ورود خسارت، فاعل زیان را ابراء کند، قطعاً و بدون هیچ اشکالی، تعهد وی ساقط می‌گردد. اما آیا می‌توان قبل از ورود ضرر احتمالی، فاعل زیان را از مسئولیت، بری نمود یا خیر؟
در صورتی که چنین عملی، امکانپذیر باشد، در واقع فاعل، مسؤول جبران خسارات بعدی نخواهد بود.

ممکن است برخی به دلیل عدم وجود دین، اسقاط آن را صحیح ندانند (اسقاط مالم یجب) اما یکی از مصادیق شایع در چنین ابرایی، یعنی «برائت پزشک» در مواد ۴۹۵ و ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی، مورد تأیید قرار گرفته است.

دلیل این حکم، آن است که همانگونه که برای ضمانت یا توثیق از یک دین، لزومی نیست تا دین فعلیت داشته باشد بلکه وجود سبب دین نیز کفایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۶۴۹) در اسقاط دین هم تحقق سبب و مقدمات نزدیک دین، کافی می‌باشد.

۲-۲-۳. سبب اقوی

در مواردی مانند اکراه، امر آمر یا فریب، عمل مکره، مأمور و فریب خورده (مغرور)، عملی قابل توجیه می‌باشد.

از سوی دیگر، اکراه‌کننده، آمر و فریب‌دهنده نسبت به فاعل همانند علت خارجی، عمل می‌کنند.

قابل توجه است؛ در روایت دیگر (حدیث اول همان باب) که مشابه با روایت فوق است در صورتی که کمک‌کننده در مقابل اجرت اقدام به کمک کرده باشد دیه برعهده کمک‌کننده و عاقله او قرار داده شده است.

در برخی از مصادیق اکراه مانند اکراه به قتل، مکره از مسئولیت معاف نمی‌شود، زیرا در چنین موردی، نه عمل، قابل توجیه است و نه رابطه اکراه کننده یا قتل، رابطه قوی تری می‌باشد لذا طبق قاعده، مباشر، ضامن خواهد بود.

البته اگر آمر مانند اکراه کننده، عمل کند، به دلیل اقوی بودن، آمر، مسئولیت جبران را بر عهده می‌گیرد.

ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۲) نیز مأموری را که به علت اشتباه قابل قبول و به تصور قانونی بودن عمل خود، اقدام کرده از مجازات معاف نموده و در مورد دیه و ضمان، مسأله را تابع مقررات مربوطه دانسته است.

در هر حال، به نظر می‌رسد در موادی که رابطه سببیت با مباشر قطع می‌شود شرایط مذکور به مثابه علت خارجی می‌باشند و نه علت موجهه.

برای عرضه کننده سبب اقوی بطور مثال تصویب قوانین از ناحیه دولت و سایر ارگان‌ها در ایجاد مسئولیت برای عرضه کننده است که در این صورت عرضه کننده مسئولیت مدنی ندارد.

۲-۲-۴. قوه قاهره

قوه در لغت به معنی نیرو است و در مقابل ناتوانی و ضعف بکار می‌رود. در اصطلاحات اسلامی در مقابل فعلیت بکار می‌رود چنانکه گویند هر شاگردی استاد است بالقوه قوه قاهره^۱ آنچه قابل پیش‌بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد.

اوصاف قانونی قوه قاهره آن است که خارجی باشد و نتوان به متعهد یا مقصر مربوط کرد. غیرقابل پیش‌بینی باشد و شخص برحسب معتادی انتظار وقوع آن را نداشته باشد. احترازناپذیر باشد و شخص نتواند آن را دفع کند و گرنه مسئول است؛ قوه قاهره باعث ایجاد عدم مسئولیت مدنی عرضه کننده است.

۳. مواردی که نیاز به ارائه اطلاعات از ناحیه عرضه کننده نیست

علیرغم مواردی که فروشنده موظف به افشای اطلاعات لازم و ضروری می‌باشد، مواردی وجود دارند که فروشنده تعهد به افشای اطلاعات ضروری در خصوص آن‌ها ندارد. در مواردی که مبیع از عیوب خطرهای آشکار و بدیهی برخوردار است و همچنین در موردی که استفاده غلط از مبیع قابلیت

۱. Force majeure.

پیش‌بینی را نداشته، فروشنده تعهد به افشای اطلاعات ندارد. علاوه بر این اموری که خریدار به طور واقعی با مفروض از آن مطلع است و همچنین اموری که با بازرسی و کاوش متعارف قابل کشف می‌باشد و همین طور در خصوص احتمال کلی از وقوع خطر، فروشنده موظف به افشای اطلاعات نمی‌باشد.

۳-۱. عیوب و خطرهای آشکار و بدیهی^۲

یکی از مواردی که قلمرو دادن اطلاعات را محدود می‌کند، دادن اطلاعات در خصوص خطرها و عیوبی است که نسبت به گیرنده آشکار هستند یا بدیهی م باشند. در تبیین مفهوم خطر و عیب بدیهی و آشکار، معمولاً وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که در آن خطر و عیب به طور معمول و عادی توسط آن‌هایی که انتظار می‌رود کالا را مورد استفاده قرار می‌دهند قابل مشاهده و احساس باشد. از این رو تشخیص خطر و عیب آشکار و بدیهی در موضوع قرارداد یک امر عرفی می‌باشد.

بنابراین عرضه‌کننده چاقو یا تبر الزامی به ارائه اطلاعات در خصوص اینکه چاقو یا تبر برنده است ندارد، یا نسبت به گیرنده دینامیت ضرورتی در اینکه اعلام شود دینامیت از خصوصیات انفجاری برخوردار است، وجود ندارد یا در خصوص ماشین‌های نقلیه، در هیچ کتاب راهنمایی گفته نشده که سرعت غیرمجاز ممکن است موجب ورود صدمه به راننده و سرنشینان بشود، همچنین خطرهای خوردن سوسیس به طور خام، آتش‌زا بودن بنزین، آتش‌زا بودن تیر، و... همه این موارد از جمله اموری هستند که فهم و درک آن‌ها برای استفاده‌کنندگان بدیهی و معلوم می‌باشد و بواسطه چنین اوضاع و احوالی، عرضه‌کننده الزامی به افشای اطلاعات ندارد.

و لیکن وضعیت‌های استثنائی وجود دارند که هر چند خطرهای موجود در آن‌ها بدیهی و آشکار می‌باشد، و لیکن بدهت و آشکاری خطر مانع از افشای اطلاعات ضروری در خصوص آن‌ها نمی‌شود، برای مثال در موردی که خطر و عیب تنها با یک بررسی دقیق که گیرنده احتمالاً انجام نمی‌دهد قابل مشاهده است یا خطر به گونه‌ای است که احتمالاً احساس نمی‌شود و یا جزئی و ناچیز محسوب می‌شود، در این موارد خصوصیات بدیهی این خطرها نمی‌تواند عرضه‌کننده را از ارائه اطلاعات ضروری و شایسته معاف نماید.

۲. Patent or open Defect and Obvious or Known Dangers.

۲-۳. خطر ناشی از استفاده غلط غیر قابل پیش‌بینی^۱

عرضه‌کننده هیچ تعهدی به افشای اطلاعات در خصوص استفاده غلط غیر قابل پیش‌بینی نسبت به گیرنده ندارد. این بدان معنی است که استفاده غلط غیر قابل پیش‌بینی از کالا ممکن است آنقدر نادر و غیر معمول باشد که به عنوان یک امر حکمی، عدم افشای اطلاعات در خصوص آن موجب نقض تعهد دادن اطلاعات نمی‌شود. بطور مثال: هنگامی که عرضه‌کننده مبادرت به ساخت کالای غیر خوراکی نموده است که هر عقل سلیمی آن کالا را غیر خوراکی می‌داند و شخصی با وجود واضح بودن این امر آن را می‌خورد مسئولیتی متوجه عرضه‌کننده نیست.

۳-۳. اموری قابل کشف با بازرسی متعارف

چنانچه گیرنده کالا بتواند با یک کاوش عرفی و بررسی متعارف خطرها و عیوب موجود در کالا و چگونگی بهره‌برداری صحیح از آن را کشف نماید عرضه‌کننده الزامی به افشای اطلاعات در این خصوص ندارد. مگر اینکه خصوصیات کالا به گونه‌ای باشد، که با یک بازرسی متعارف و معمول قابل کشف نباشند.

برای مثال، در خصوص استفاده از دستگاه زیراکس، با یک کاوش عرفی می‌توان طرز کار آن را دریافت. معذک، گاه اتفاق می‌افتد که یک وضعیت خطرناک در کالا، گرچه، به سهولت قابل مشاهده می‌باشد و لیکن به گونه‌ای است که فقط اشخاص مجرب متوجه آن می‌شوند، در چنین موردی اگر عرضه‌کننده دارای تجربه خاصی باشد و آگاه باشد که استفاده‌کننده به طور متعارف از این وضعیت مطلع نخواهد شد، وی مکلف است که اطلاعات لازم و ضروری را در این خصوص، در اختیار استفاده‌کننده قرار بدهد.

۴-۳. امور مورد اطلاع واقعی یا مفروض گیرنده

همانطوری که گفته شد، نسبت به اموری که گیرنده به طور واقعی از آن مطلع است یا اینکه آن امور نزد عموم به اندازه‌ای آشکار هستند که می‌توان بطور متعارف فرض نمود که گیرنده با آن‌ها آشنا خواهد بود، عرضه‌کننده الزامی به افشای اطلاعات در آن خصوص ندارد از این رو برای مثال در خصوص خرید کالای آتش‌زایی مثل بنزین، اگر خریدار به طور واقعی مطلع نباشد که کالای مزبور قابلیت انفجاری قوی دارد، فرض می‌شود که وی با این خصیصه آشنا است.

۱. Danger From Unforeseeable Misuse.

۳-۵. احتمال کلی از وقوع خطر

همچنین گفته شده است که فروشنده در خصوص احتمال کلی از وقوع خطر تعهد به افشای اطلاعات ندارد به عبارت دیگر در خصوص حادثه‌ای که تا حدودی امکان دارد در رابطه با مبیع اتفاق افتد، قصور از افشای اطلاعات موجب مسئولیت فروشنده نمی‌باشد. به طور مثال تولید کالایی که با حرارت آتش می‌گیرد و هر عقل سلیمی می‌داند که نباید کنار آتش گذاشته شود و انجام آن توسط مصرف‌کننده و آتش گرفتن کالا و ایجاد خسارت جانی و مالی مسئولیتی را متوجه عرضه‌کننده نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

فروشنده متعهد است، علاوه بر تسلیم مبیع به خریدار، کلیه اطلاعات ضروری راجع به مبیع، از قبیل عیب‌ها و کمبودهای مبیع، خطرهای موجود در آن، طرق اجتناب از خطر و گریز از خطرهای احتمالی، چگونگی استفاده بهینه و بهره‌برداری صحیح از مبیع، زیان‌های احتمالی ناشی از استفاده مبیع، چگونگی نگهداری مبیع، تاریخ تولید و مصرف در خصوص کالاهایی که تا تاریخ معین قابل استفاده هستند، و اطلاعات ضروری دیگر را برحسب مورد در اختیار خریدار قرار بدهد. مفهوم ضرورت در افشای اطلاعات، اساساً به اوضاع و احوال خاص هر قرارداد بستگی دارد، لذا تعهد دادن اطلاعات از جنبه موضوعی برخوردار است نه حکمی. در خصوص اینکه افشای کدام موضوع ضروری و افشای کدام موضوع ضروری نیست، قاعده ثابتی وجود ندارد ولیکن از معیارهایی چون عرف، وجود عیب و خطر در مبیع و عوامل مؤثر در کاهش ارزش مبیع می‌توان ضرورت افشای اطلاعات را احراز نمود. تعهد فروشنده به افشای اطلاعات محدود به زمان انتقال مبیع نیست، بلکه پس از انتقال، چنانچه فروشنده اطلاعاتی راجع به مبیع بدست آورد که ضرورت داشته باشد خریدار از آن‌ها مطلع گردد، موظف است اطلاعات مزبور را به آگاهی خریدار برساند. اطلاعات ضروری راجع به مبیع غالباً از طریق برچسب، بروشور و کاتالوگ، دفترچه راهنما، نوشتن بر روی بسته‌بندی یا ظرف محتوی کالا، اظهارات شخصی فروشنده یا نمایندگان وی و درج آگهی و اعلامیه در رسانه‌های خبری، به آگاهی خریدار رسانده می‌شود.

هر چند که تعهد دادن اطلاعات در ابتدا با دکتترین سنتی «آگاه باش خریدارم مواجه بود ولیکن دکتترین مزبور پس از انقلاب صنعتی با پیچیدگی طرح و ساخت کالاها و اموال و توجه به سلامتی و

ایمنی بشر، در سیر اندیشه آگاهانه حقوقدانان مورد تعدیل قرار گرفت و از این رو سکوت فروشنده در مقابل خریدار نسبت به افشای اطلاعات ضروری، فاقد محمل حقوقی شناخته شد.

تعهد دادن اطلاعات مبتنی بر شرط ضمنی در عقد و از تعهدات تبعی فروشنده می‌باشد، بدین معنی که در عقد بیع فروشنده به طور تبعی و ضمنی متعهد می‌شود که کلیه اطلاعات ضروری راجع به بیع را به اطلاع خریدار برساند. تعهد مزبور بر مبنای تسلیم بیع نیز قابل توجیه می‌باشد، تسلیم علاوه بر مفهوم مادی از مفهوم عرفی و معنوی نیز برخوردار است بدین معنی که فروشنده باید بیع را به گونه‌ای در اختیار خریدار قرار بدهد که عرف او را مسلط بر آن بداند به نحوی که به طور متعارف و معقول از آن بتواند استفاده نماید، لذا برای اینکه امکان استفاده متعارف برای خریدار فراهم گردد فروشنده باید اطلاعات ضروری در خصوص چگونگی استفاده بهینه از بیع را در اختیار خریدار قرار بدهد. از طرف دیگر دادن اطلاعات از لوازم عقلی و عرفی بیع بوده و جزء و تابعی از آن شناخته می‌شود از این رو فروشنده باید ضمن تسلیم بیع، اطلاعات لازم را نیز به خریدار تسلیم نماید. اصل حسن نیت و انصاف نیز نه تنها می‌تواند حدود و قلمرو تعهدات ناشی از قرارداد را مشخص نماید بلکه ممکن است نسبت به طرفین قرارداد تعهداتی را تحمیل نماید. از این رو رعایت انصاف و حسن نیت در قرارداد فروشنده را به افشای اطلاعات ضروری ملزم می‌نماید. علاوه بر این چنانچه در قرارداد تعهد فروشنده به افشای اطلاعات تصریح شده باشد یا اینکه خریدار از فروشنده در خصوص بیع سؤال و تحقیق نماید یا اینکه رابطه فروشنده و خریدار به عنوان یک امر موضوعی، مبتنی بر اعتماد و اطمینان تشخیص داده شود، فروشنده متعهد است کلیه اطلاعات ضروری و لازم را در اختیار خریدار قرار بدهد.

فروشنده تا حدی متعهد به افشای اطلاعات ضروری راجع به بیع می‌باشد که به طور واقعی از موضوعاتی که باید افشاء شود، اطلاع داشته باشد. همچنین اموری که فرض می‌شود از آن مطلع است را نیز لازم است به اطلاع خریدار برساند. از این رو الزام فروشنده به افشای اطلاعات نسبت به اموری که وی نمی‌تواند به طور متعارف از آن مطلع گردد، از نظر منطقی امر عبث و بیهوده‌ای است. البته در مواردی که خریدار به طور واقعی یا مفروض از خصوصیات بیع مطلع است فروشنده تعهد به افشای اطلاعات ندارد.

فروشنده متعهد است فقط اطلاعات ضروری راجع به بیع را در اختیار خریدار قرار بدهد. لذا نسبت به امور غیر ضروری متعهد به افشای اطلاعات نیست. اطلاعات راجع به عیب‌ها و خطرهای موجود در بیع از شایع‌ترین موارد ضرورت افشای اطلاعات می‌باشند. البته خطر نیز خود چهره‌ای از عیب در بیع شناخته شده است. عیب و خطر موجود در بیع ممکن است مادی باشد مثل: انفجاری و

اشتعال پذیر بودن کالا، زهردار، سمی و بیماریزا بودن کالا، عیوب و امراض در (بیع حیوان، سستی و پوکی در بیع زمین، چکه کردن سقف در بیع خانه. همچنین عیب موجود در میع ممکن است حقوقی باشد، مثل حقوق و ادعاهای اشخاص ثالث در میع. معذکک تعهد فروشنده به افشای اطلاعات ضروری محدود به اموال معیوب و خطرناک نمی‌باشد بلکه مواردی از قبیل چگونگی استفاده و بهره‌برداری صحیح از میع، ارائه اطلاعات در خصوص استفاده غلط قابل پیش‌بینی، ارائه اطلاعات مربوط به کشف نادرستی اطلاعات داده شده، از جمله اطلاعات ضروری راجع به میع محسوب می‌شوند. ارائه اطلاعات راجع به عیب‌ها و خطرهای آشکار و بدیهی میع، ارائه اطلاعات در خصوص احتراز از استفاده غلط غیرقابل پیش‌بینی از میع و همچنین ارائه اطلاعات نسبت به اموری که با بازرسی و کاوش متعارف خریدار قابل کشف می‌باشد، ضروری محسوب نشده و اصولاً فروشنده الزامی به افشای اطلاعات مزبور ندارد.

اطلاعاتی که فروشنده در اختیار خریدار قرار می‌دهد باید از شایستگی لازم برخوردار باشد، اطلاعات ارائه شده ممکن است به جهات مختلف شایسته محسوب نشود، بعضی از این جهات عبارتند از: ۱. عدم درک و فهم اطلاعات (مثل: ارائه اطلاعات به زبان بیگانه یا ارائه اطلاعات به وسیله فرمول‌های تخصصی). ۲. ارائه اطلاعات به نحو مختصر و کوتاه (مثلاً: استفاده از عبارت «در جای خنک نگهدارید» بیان‌کننده انفجاری بودن کالا در مقابل گرما نیست). ۳. عدم برجستگی اطلاعات (مثل نوشتن کلمه «اخطار» با حروف کوچک به صورت کم رنگ روی کالای خطرناک). ۴. عدم تعبیه مناسب اطلاعات (مثل: درج اطلاعات روی بسته‌بندی کالا به جای نصب آن روی کالا). ۵. عدم بکارگیری روش مناسب در ارائه اطلاعات (مثل: استفاده از آگهی به جای نصب اتیکت بر روی کالای خطرناک).

در صورتی که فروشنده در افشای اطلاعات ضروری و لازم سکوت نموده و یا اطلاعاتی که افشاء می‌نماید، ناقص و نادرست باشد، تعهد دادن اطلاعات را نقض نموده و خریدار حق استفاده از طرق جبران خسارت را دارد. با عنایت به اینکه تعهد دادن اطلاعات، تعهد تبعی در قرارداد و لازمه تحقق تسلیم می‌باشد، از ریشه قراردادی برخوردار بوده و لذا نقض آن موجب مسئولیت قراردادی فروشنده اعم از فروشنده سازنده، فروشنده دسته دوم و خرده فروش، می‌شود. برای تحقق مسئولیت فروشنده، اولاً: نقض تعهد دادن اطلاعات، ثانیاً: تقصیر فروشنده در نقض تعهد مزبور، ثالثاً: رابطه سببیت بین نقض تعهد و ورود خسارت، باید احراز گردد. خریدار لزومی ندارد که تقصیر فروشنده را بر نقض تعهد دادن اطلاعات به اثبات برساند، بلکه نقض تعهد مزبور خود اماره بر تقصیر می‌باشد، لذا خریدار با

اثبات نقض تعهد دادن اطلاعات و رابطه سببیت بین نقض تعهد و ورود خسارت، می‌تواند از طرق جبران خسارت استفاده نماید. در مقابل فروشنده، با اثبات عدم تقصیر خود می‌تواند از مسئولیت معاف شود. در سیستم مسئولیت مطلق برخلاف سیستم مسئولیت قراردادی، تقصیر شرط تحقق مسئولیت نیست، لذا، خریدار لزومی ندارد که عملکرد و رفتار فروشنده را مورد اعتراض قرار بدهد بلکه لازم است فقط کالا را مورد اعتراض خود قرار بدهد، بدین ترتیب حتی اثبات رعایت کلیه مراقبت‌ها و احتیاط‌های لازم برای جلوگیری از ورود خسارت، نمی‌تواند مانع از مسئولیت فروشنده گردد. هر چند که در حقوق ما مسئولیت مطلق به واسطه نقض تعهدات قراردادی پذیرفته نشده است، و لیکن پذیرش مسئولیت مطلق در این خصوص، در حقوق بعضی از کشورها، از مزایا و معایبی برخوردار می‌باشد، از یک طرف پذیرش مسئولیت مطلق با توسعه افشای اطلاعات در اموال، تسریع در رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض تعهد دادن اطلاعات و افزایش امکان مطالبه خسارت ناشی از نقض تعهد مزبور همراه است، از طرف دیگر، توسعه فزاینده تسلیم اطلاعات با کاهش درجه تأثیر اطلاعات و امکان عدم تأثیر آن بر شناخت عیب‌ها و خطرهای مبیع همراه خواهد بود.

در اثر نقض تعهد دادن اطلاعات، خریدار از حقوق و اختیاراتی برخوردار می‌باشد، که عبارتند از: ۱. حق الزام فروشنده به افشای اطلاعات ۲. حق حبس ثمن ۳. حق فسخ قرارداد ۴. حق مطالبه ضرر و زیان.

مسلماً اطلاعات در زمانی که امکان ساخت و طرح سالمتری از کالا وجود ندارد، باید به کار گرفته شود، اگر سازندگان و فروشندگان کالاهای خطرناک بجای بازسازی مجدد طرح کالا (برای تأمین سلامت آن)، از اطلاعات استفاده نمایند، در آن صورت استفاده زیاد از اطلاعات اثر آگاهی‌دهنده آنرا کاهش خواهد داد و در نتیجه خریدار از ایمنی کمتری برخوردار بوده و اطلاعات ارائه شده قدرت انتقال پیام خود را از دست می‌دهند. همچنین، هدف از افشای اطلاعات، مطلع کردن خریدار از خصوصیات مبیع می‌باشد، اگر توانایی خریدار نسبت به فهم اطلاعات ارائه شده محدود باشد (مثل، افشای اطلاعات به زبان بیگانه) یا اصلاً، این امکان و توانایی برای خریدار موجود نباشد، (مثل بیسوادان) هدف مزبور تأمین نمی‌شود، از این رو به جای تأکید بر افشای اطلاعات باید به اصلاح طرح و ساخت کالا توجه کرد، از طرف دیگر، چنانچه عیب یا خطر موجود در مبیع، بدیهی باشد یا خریدار به طور واقعی یا مفروض از آن مطلع باشد، مبیع داخل در مفهوم اموال معیوب و خطرناک قرار نمی‌گیرد، در نتیجه فروشنده مدعی خواهد شد که کالا معیوب و خطرناک نیست. لذا وقتی که این بحث مطرح است که آیا طرح و ساخت کالا موجب معیوب و خطرناک بودن آن می‌شود یا نه؟ توجه

دادگاه به وجود یا فقدان ارائه اطلاعات منحرف می‌شود، در مقابل، فروشنده نتایج زیانبار طرح و ساخت معیوب و خطرناک کالا را با ارائه اطلاعات ضروری در خصوص آن و با هزینه بسیار کمتر از هزینه بازسازی مجدد طرح توجیه می‌نماید. لذا افشای اطلاعات باید در اوضاع و احوالی که در آن، رفع خطرهای کالا عملی نیست محدود شود.

فهرست منابع

- ۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵.
- ۲- انصاری، مرتضی، المکاسب (سه جلدی)، جلد دوم، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰ هـ ق و ناشر دارالفکر، قم، جلد دوم، چاپ سوم، سال ۱۳۸۳.
- ۳- پاتریس ژوردن، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، سال ۱۳۸۵.
- ۴- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
- ۵- طباطبایی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، قم: مکتبه الوجدانی، ۱۴۰۰ ق و مؤسسه نشر اسلامی قم، ۱۳۷۷.
- ۶- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۳.
- ۷- ره پیک، حسن، حقوق مدنی، حقوق قراردادها، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
- ۸- ره پیک، حسن، الزامات بدون قرارداد، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ سوم، سال ۱۳۹۰.
- ۹- فتاح زاده، زهرا، امینی، علیرضا، قلمرو ضمان تولید کننده ناشی از عیب کالا و نقص اطلاع‌رسانی در نحوه صحیح مصرف، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: انتشارات میزان، سال ۱۳۹۰.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۸۴.